شنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۴
شماره ۴۳۹۵
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

بله، یکی از بحث‌هایی که مطرح می‌شود و به نظر من عجیب و غریب هم هست و من اســـمش را به نوعی براندازی دموکراتیک یا براندازی مثلاً سیستماتیک یا هرچیز دیگری می‌گذارم این اســـت که بعضی از این بحث‌هایی که مطرح می‌کنند در واقع ریشه براندازانه دارد، اما آن‌هایی که مطرح می‌کنند، جوری بیان می‌کنند که مثلاً انگار ما داریم یک پیشنهاد دموکراتیک مطرح می‌کنیم. جالب است که حالا من اسم هم بیاورم. اخیراً گفت‌وگویی بود از آقای علی جنتی با رسانه‌ای که فکر می‌کنم وابسته هم هست، خارج از ایران هم هست؛ یک رسانه شخصی. حالا صرف نظر از خیلی موارد ساده‌انگارانه که آنجا مطرح می‌شود ولی نکته‌ای ایشان در چند مقطع از بحث‌هایش مطرح می‌کند؛ آن هم اینکه مطالبات یا حرف‌هایی مطرح می‌کند که دقیقاً به معنای این است که سیستم بپذیرد که من براندازی شدم و ساختارم را کلاً عوض کردم، ولی در پوشش و لفافه مثلاً موضع دموکراتیک. مثلاً می‌گویند در فلان موضوع رهبری اختیارات نداشته باشد یا مثلاً راجع به این چهارچوب جمهوری اسلامی که همان بحث استقلال است، عطایش را به لقایش ببخشیم و موضوعاتی از این دست، یا اصلاً ماهیت جمهوری اسلامی را به نوعی عوض بکنیم که این‌ها در واقع براندازی است دیگر، ولی فکر می‌کنند که خب جمهوری اسلامی باید رسماً به این‌ها تن بدهد. خودش هم اتفاقاً دست به کار بشود و یک‌سری از این اقدامات را انجام بدهد. تحلیل شما چیست؟ آیا واقعاً سیستمی در دنیا هست که بگوید من می‌خواهم به دست خودم براندازی کنم؟ چون این‌ها حرفشان این است که خب ما می‌خواهیم روش خشونت‌آمیزی را در پیش بگیریم و اصلاً حق با ماست و اکثریت با ماست و می‌خواهیم فلان موضوع را پیش ببریم، پس جمهوری اسلامی هم برای اینکه ما روش خشونت‌آمیزی به کار نبریم خودش بیاید و از این چهارچوب‌های خودش کوتاه بیاید. حالا وقتی مثلاً بحث بر سر بعضی از روش‌هاست یا بحث بر سر بعضی از قوانین است که بحث این‌ها جداگانه است. ولی درباره بحث چهارچوب‌ها و اصول می‌گویند که دو حالت دارد؛ یا باید جمهوری اسلامی ما را به سمت خشونت و براندازی ببَرد یا اینکه حداقل عقب‌نشینی از آن چهارچوب‌های اصلی‌اش را بپذیرد. اما آیا اساساً سیستمی در دنیا وجود دارد که خودش به دست خودش چهارچوب‌های اساسی خودش را به اسم مثلاً بحث دموکراتیک کنار بزند؟ یا اینکه نه! هر دموکراسی ذیل یک چهارچوب ساخته شده و هیچ جای دنیا این‌گونه نیست که سیستمی خودش به دست خودش براندازی کند؟

بله، حالا این‌هایی که می‌گویند اگر به حرف ما گوش ندهید، خشونت می‌شود، توی خیابان می‌ریزیم، این افراد همین منطق ترامپ را دارند که می‌گوید اگر به حرف من گوش ندهید، می‌زنم دیگر، یعنی خشونت دارد، بنابراین منطقِ خیلی رسوایی است. ببینید دموکراسی‌های دنیا بر سر حفظ ماهیت سکولار لیبرال خودشان بسیار جدی‌اند و دموکراسی‌های سکولار لیبرال امنیت‌محورند؛ یعنی دلیل وجودی حکومت حفظ امنیت برای چهارچوب‌های سکولار لیبرال آنهاست.

شما ببینید پس از یازدهم سپتامبر در آمریکا و انفجارات آن برج‌ها تحول عظیمی در قوانین ایجاد شد. مثلاً افرادی که قبلاً نمی‌شد آن‌ها را بدون حکم قضایی بیش از ۴۸ ساعت نگه داشت، تصویب کردند که شما تا هر زمان که می‌خواهید آن‌ها را داشته باشید. این موضوع امنیتی است و اصلاً لازم نیست دستگاه قضایی این را بداند. یا مثلاً گوانتانامو درست کردند و قانون اجازه داد افرادی که آنجا می‌روند را می‌توانند شکنجه کنند؛ شکنجه‌هایی مثل واتربوردینگ (غرق مصنوعی) یا هر نوع شکنجه دیگری را... حتی تفتیش عقاید؛ یعنی از استادان می‌پرسیدند که این بچه‌ها؛ شاگردان شما چقدر قرآن می‌خوانند؟ علاقه دارند؟ ندارند؟ و... یعنی یک چیزهای عجیبی هیچ‌کس فکر نمی‌کرد که در دموکراسی لیبرال وجود داشته باشد، ولی دموکراسی لیبرال برای حفظ خودش هرگونه خشـــونت را قبول دارد. اصلاً خشونت بی‌مرز از ویژگی‌های دموکراسی لیبرال است.

شما در همین جریان غزه یادتان است که آن فیلسوف معروفِ سوسیالیست غربی، «هابرماس» – که من یک مقاله‌ای هم در خبرگزاری تسنیم درباره او نوشتم – ببینید هابرماس مدعی است که در واقع یک آدم اومانیست و چپ است، اما او می‌گوید که رژیم صهیونیستی معقول است که مردم را بکشد. چرا؟ چون می‌گوید امنیتش در خطر است! ببینید، پس امنیت موضوعی است که مجوز می‌دهد برای حفظ ساختار خودشان هر کاری بکنند. پس پاسخ سؤال شما این است که رژیم‌های سکولار لیبرال برای حفظ موجودیت خودشان تحت عنصر امنیت هر مقدار از خشونت که لازم باشد را انجام می‌دهند. افراد را سی‌جیم می‌کنند، زندان می‌کنند، می‌توانند شکنجه کنند، بنابراین این مســـائل را دارند، حتی چیزهای خیلی ساده را هم می‌توانند منع کنند. ببینید، چرا مسئله حجاب و بیرون کردن زن‌های مسلمان در مثلاً کشور فرانسه قانون پیدا کرد؟ گفتند ما یک کشوری هستیم که لائیسیته داریم و حجاب به نحوی دارد می‌گوید لائیسیته بد است و چون می‌گوید بد است پس این یک‌جوری برای ما خطر است. حجاب که نگفت لائیسیته نباشد، اما آن‌ها می‌گویند که کسی حق ندارد بگوید لائیسیته بد است.

حتی نظرش را بگوید...

بله، حتی نظرش را بگوید. تهش همین است دیگر؛ تهش این است که من این‌طور هســـتم. خب پس ببینید این چهارچوبی است که برای حفظ پایگاه فکری و نظام خودشان؛ نظامی که لااقل ۳۰۰ سال است پایه‌گذاری کردند و ۵۰۰ سال ایده‌هایش مطرح بوده، این‌ها حاضرند همه کار بکنند.

اما درباره ما می‌گویند که اتفاقاً اگر فقط بگذارید براندازی کنیم، دموکراتیک هستید!

بله، دقیقاً. حالا در داخل کشور، ما اگر از نظام‌مان دفاع کنیم، این را بد می‌دانند؛ چراکه این نظام یک تجربه جدید دموکراسی است. اتفاقاً یکی از مشکلات فعلی کشور ما که مشکل بسیار مهمی است، این است که حتی مسئولانی که در نظام سابقه کار دارند، اصلاً نفهمیدند که این جمهوری اسلامی چیست. این تجربه جمهوری اسلامی چه تجربه‌ای است! جمهوری اسلامی یک نظم سیاسی مدنی است که عقلانیت پایه‌اش به‌جای اینکه سکولاریســـم و لائیسیته باشد، عقلانیت اسلامی منبعث از مکتب اهل‌بیت است. ساختار عملیاتی آن هم دموکراسی نمایندگی است. این تجربه را خیلی‌ها می‌گفتند که امکان ندارد [محقق شود] یا اسلام اصلاً به اصطلاح مندرس است، یا اسلام برای نماز و روزه است، یا اصلاً نمی‌شود، یا نمی‌گذارند. خب تجربه به ما نشان داد که اتفاقاً می‌شود و همین تجربه، ایران توسری‌خور زیر سلطه آمریکا را به بزرگ‌ترین قدرت منطقه تبدیل کرد. در ۳۰۰ سال گذشته هیچ‌وقت ایران چنین نفوذی در منطقه نداشت که الان دارد! یک قدرتی که توانمندی‌اش به خودش متکی است و کسی جرئت ندارد به آن حرفی بزند. می‌تواند از خودش کاملاً دفاع کند و شجاعتش را هم نشان داده است.

من دیدم یکی از رهبران کشورهای همسایه مثلاً می‌گفت که از تبریز تا دمشق و شامات؛ همه‌جا خون سربازان عثمانی است و می‌گفت این‌ها به هر صورت تاریخچه ماست و مال ما بوده است. خب من گفتم اگر عقب‌تر برویم که همه این‌ها مال ایران بوده (خنده). خب، این چه جور مبنایی است؟! این مبنا غلط است. من در تاریخ مدرن می‌گویم؛ همین ایرانی که الان هست، با همین امکانات جمعیتی و سرزمینی، این هیچ‌وقت چنین نفوذ معنوی نداشته است؛ نه‌تنها ایران نداشت که هیچ کشور دیگری هم در منطقه چنین نفوذ معنوی نداشت و ندارد. خب، این یک توانمندی بسیار عظیمی است. این جمهوری اسلامی است. این‌ها جمهوری اسلامی را هیچ‌وقت نفهمیدند. اگر گفتند دموکراسی، گفتند دیگر نمی‌شود که هم رهبری باشد، هم رئیس‌جمهور! باید هر چیزی که رئیس‌جمهور می‌گوید، باشد. آخر کجای دنیا این‌جوری است؟! دموکراسی اساسش بر تقسیم توانمندی است. الان در آلمان مثلاً اگر رهبری حزب مخالفشان از اتحادیه، از همراهی بیرون بیاید، نخست‌وزیر سقوط می‌کند، پس مجبور است که به حرف آن‌ها گوش کند. در همین آمریکا شما ببینید اگر کنگره چیزی را سد کند، دولت نمی‌تواند از آن عبور کند! همین الان در همین شرایط اخیر که ترامپ آمده و گفته ما این‌هایی که غیرقانونی پناه‌جو هستند را اخراج می‌کنیم، دادگاه جلوی او را گرفته و دستورش را لغو کرده است.

می‌گویند؛ چون اختیارات در قانون اساســـی مشخص شده، رئیس‌جمهور باید دستش باز باشد... ببینید این دوستان اصلاح‌طلب ما که اگرچه اسم دموکراسی را می‌برند، به‌طورکلی این‌ها یک دیکتاتوری سکولار دوست دارند و تحمل دموکراسی را ندارند. می‌گویند‌ها، ولی تهش یک دیکتاتوری سکولار قشنگ را می‌پسندند. مرحوم آقای هاشمی‌رفسنجانی سفری به عربستان رفته بود و بعد آمد و گفت: ما آن‌قدر مجلس گذاشتیم و بگیر و ببند و این حرف‌ها، ولی این‌ها [عربستان] بدون این چیزها دارند اداره می‌کنند، پیشـــرفت هم دارند دیگر... همین الان بعضی از حضرات برای آقای بن‌سلمان اصلاً ریسه می‌روند. می‌گویند ببین چه آدم داهیانه‌ای است. اصلاً دارد کشور را زیر و رو می‌کند. می‌گویند که رابطه‌اش را با شرق و غرب بالانس کرده اســـت. اینکه گاوشیری رسمی آنهاست و این دفعه ترامپ برای سفر به عربســـتان گفت که باید حدود ۱۰۰۰ میلیارد دلار به من پول بدهی، این شده بالانس! و اصلاً توجه نمی‌کنند که یک توریســـت اگر برود در یک کشوری مثل امارات و این‌ها، فروشـــگاه می‌رود و یک قهوه‌ای می‌خورد و خوشش می‌آید، اما یک آدمی که تحلیلگر است و اوضاع سیاسی می‌فهمد و اگر بخواهد بفهمد، باید نکات مهمی را بادقت ملاحظه کند.

آیا شما اصلاً می‌دانی در عربستان چه اتفاقاتی می‌افتد؟! همین مکه را شما یک خرده از مرکزش دورتر رفته‌اید؟! آیا کارهایی که بن‌سلمان کرده؛ دوری از اسلام و اسلام‌زدایی را متوجه شده‌اید؟! امروز رژیم صهیونیستی بر ارکان امارات و عربستان تسلط دارد. آن افتضاحاتی که گذاشتند در مراسم بی‌شرمانه‌ای که... رقص فلانی که بت‌های کعبه را آوردند و در ریاض دور خانه کعبه را بازسازی کردند و فیلمش را به شکل مجازی درســـت کردند... یا همین دیسکویی که اخیراً در نزدیکی حرم شریف در بیابان‌ها گذاشتند و چیزهای دیگر... می‌گویند که این حکومت بن‌سلمان دُم سلفی‌ها را ببرید. چطور برید که تمام داعش از این‌ها ارتزاق می‌شود؟! مگر ما یادمان رفته که همین مفتی‌های بن‌سلمان بودند که می‌گفتند زن‌های خودتان را بدهید برای جهاد نکاح؟! همین‌جوری بودند دیگر... چه کسی این همه فتوا داد که خون شیعیان حلال است و اگر آن‌ها را کشتید، زن‌هایشان را هم به اسارت بگیرید. حتی آن بزرگان سلفی آن‌ها مثل ابن‌تیمیه، آن‌ها نمی‌گویند که شما می‌توانید زن مسلمان دیگری را که تشهد گفته او را اسیر بگیرید... قتل، تجاوز و...

این کسی که حکومت بن‌سلمان برایش نماد پیشرفت است، می‌گوید ببین دارد چه‌کار می‌کند؟! دارد شهر عظیم زیرزمینی درست می‌کند! خب، چه‌کسی درست می‌کند؟! پول نفت است این‌ها که آمریکایی‌ها می‌گیرند و درست می‌کنند و خودشان هم اداره می‌کنند. این توانمندی است؟! بعد این را با توانمندی ما می‌سنجند که همه چیزش از خودمان است؟! نیروی انسانی بی‌نظیری که ما داریم و قدرش را نمی‌دانیم و باورش نداریم! چون حضرات اصلاً باور ندارند که ما می‌توانیم! این، آن چیزی است که برای ما مشکل است و لذا این‌ها قدر این نظام را نمی‌دانند و فکر می‌کنند که اصلاً این‌ها را باید جمع کنیم. می‌گویند اصلاً این چیست که ولایت‌فقیه داریم؟ یکی‌اش کنیم... و نفهمیدند این تجربه عظیمی را که ما داریم و در این برهه از تاریخ در آن هستیم. ما برای حفاظت از این تجربه عظیم ملی و انقلابی‌مان باید بر اساس دین حفاظت کنیم. ما مثل آمریکایی‌ها و غربی‌ها نیستیم که برای حفاظت از سکولاریسم لیبرالشان هر کاری می‌کنند. نه! ما باید این هوشیاری را داشته باشیم و در اینجا آن چیزی که ضروری است، همان است که مقام معظم رهبری فرمودند جهاد تبیین. جهادی سلاحی دارد و جهاد تبیین دو اسلحه مهم دارد. یک سلاح بصیرت است؛ این سلاح یعنی شما در جنگ اسلحه داغ می‌خواهید، اینجا بصیرت می‌خواهید. و سلاح دومش قول سدید است؛ یعنی چرت‌وپرت نگویید. قول سدید ریشه قرآنی دارد؛ و قولوا قولا سدیدا... قول سدید چند اساس دارد؛ اولاً درست بگوییم و نباید دروغ بگوییم. ثانیاً هدف ما از بیانش حق باشد، نه اینکه حرف درستی بزنیم، ولی غرضمان علیه حق باشد. ثالثاً نفع آن برای استقرار حق بیشتر باشد، چون بعضی اوقات یک حرف هم جهات مثبت و هم جهات منفی دارد و این‌ها نکات خیلی مهمی است که ما باید در قول سدید داشته باشیم. بصیرت هم همین‌جور است؛ بصیرت یعنی اینکه شما بدانی کجا هستی و واقع‌بین باشید. این‌هایی که این‌قدر مدعی عقل هستند و گویی خداوند این‌ها را تقسیم‌کننده عقل در دنیا قرار داده، هر کسی مخالفشان است، می‌گویند بی‌عقل است! ما باید عقلانیت داشته باشیم. عقلانیت چیست؟ اولش این است که واقع‌بین باشیم؛ واقع‌بین یعنی اینکه شرایط و وضعیت خودتان را خوب بفهمید، نه اینکه رسانه‌های غربی را بخوانید و همان تصوری را داشته باشید [که آن‌ها می‌خواهند به شما القا کنند.] بفهمید که وظیفه چیست؛ قیام کنید برای انجام وظیفه.

ببینید کسی که فتنه ۱۴۰۱ را این‌جوری می‌فهمد، می‌گوید که خب، زنان ایران تحت استثمار عظیم بودند و دیگر جانشان به لب رسیده، تحقیر شدند و بعد ماجرای مهسا امینی اتفاق افتاد. مهسا امینی دختری بود که حجابش چندان بد هم نبود. او را دستگیر کردند، بعد جسد تحویل خانواده‌اش دادند. این دمل ترکید و بعد زنان ایرانی به حق خودشان رسیدند. خب حق زنان چه بود؟ می‌گوید که جلوی لایحه حجاب و عفاف را گرفتند و الان دیگر نمی‌شود حجاب را استقرار داد. یعنی زنان ایران همه دنبال برهنه کردن خودشان بودند؟! جانشان به لب آمده بود و توانستند خودشان را برهنه کنند. این بزرگ‌ترین توهین به زن ایرانی است. یعنی یک کلمه نگفت که قوانین ما کجا این تبعیض را داشت که برویم در مجلس و آن را اصلاح کنیم! یک کلمه نگفت که در دانشگاه به زنان ما آیا اجازه نمی‌دهند که بیایند! یک کلمه نگفت که این زن‌های متدین و ایرانی ما که پیشرفت علمی پیدا می‌کنند این‌ها چطور تحت اختناق بودند! خب، این تصور یعنی چه؟! یعنی شما یک فتنه‌ای که فتنه دریدن حجاب است و عنوانش «انقلاب بی‌ســـر» است را نفهمیدید. در سال ۸۸ انقلاب رنگین داشتیم، اما این انقلاب، اسمش انقلاب بی‌سر است که عده‌ای همچون ژیژک، بنیامین والترز و... طراحش بودند. خب، این را نمی‌فهمد و این «رو» می‌خواهد که در شرایط فعلی که همین رژیمی که علیه ما همین حرف‌ها را می‌زد، امروز در مورد غزه و کشتار این همه زن و بچه چه می‌گوید!

یعنی یک مقدار حیا و عقل هم می‌خواهد که آدم ببیند که چه اتفاقی افتاد و چرا غرب یکپارچه علیه مادر مورد مهسا امینی که داستانش کاملاً دروغ بود، بسیج شد. این بسیج اتفاقی بود؟! نه اتفاقی نبود! تصمیم و ایده این انقلاب بیشتر این‌جوری است که شما اگر یک انقلاب و حکومتی را نتوانستید با انقلاب رنگین و امثال این‌ها پایین بکشید، بیایید مثل موریانه به جان چند قانون کلیدی‌اش بیفتید و این قوانین را بی‌خاصیت کنید، قانون را بکُشید. اصلاً عنوانش این هست to kill a law how... تئوری آن این است، باید سه تا قانون را در ایران بکشند. این اصلاً استراتژی انقلاب بی‌سر است؛ اول مسئله برهنگی؛ حدود برهنگی باید آزاد بشود. دوم شرب خمر است. سوم کیفر زدایی از جرم زناست، یعنی مسئله حقوقی است. مثل اینکه خانه‌ای را اجاره می‌کنید و بعد با هم اختلاف پیدا کرده و اجاره را فسخ می‌کنید، این دیگر جرم نیست. پس باید زیر آب این سه قانون زده شود و شما امروز در جامعه می‌بینید که دقیقاً دارند در همین مسیر کار می‌کنند. اگر کسی فهمش از مسئله جریان مهسا امینی و آن فتنه ۱۴۰۱ در آن حدی است که گفتم، این آدم اصلاً پدیده‌های اجتماعی را نمی‌فهمد. خب، اینجا بصیرت یک کلید است. ممکن است این افراد اصلاً آدم بدی هم نباشند ولی نمی‌فهمند و این در تاریخ هم تکرار شده است. ما برای پاسداری از جمهوری اسلامی که تجربه عظیم ملی ماست؛ تجربه‌ای که می‌تواند سنگ زیربنای یک تحول تمدنی در بخشی از جهان اسلام هم باشد و میدان کار ما را از محدوده ایران و از چند کشور اروپایی به جهان اسلام توسعه داده است، باید از این نظام حفاظت کنیم.

ما در دنیای اسلام حرف برای گفتن داریم، تئوری داریم، مدل داریم. این حضرات مقالاتی که در مصر و الجزایر و تونس و... راجع به دستاوردهای اجتماعی و مدنی جمهوری اسلامی نوشته می‌شـــود را نمی‌خوانند. این‌ها را بخوانند. این دستاورد عظیمی است. ما باید با همه وجود از این نظام حفاظت کنیم؛ برای چه چیزی؟ برای استقلال‌مان، برای عزتمان و برای اینکه ثمره‌های آینده بزرگ این جمهوری اسلامی به دست ما برسد. دفاع از جمهوری اسلامی بسیار ضروری است، به آن‌هایی که فکر می‌کنند با تزویر و نفاق... یعنی کسی که می‌آید امضا می‌کند که من اگر رئیس‌جمهور بشوم پاسدار به اصطلاح قانون اساسی و رهبری و همه چیز هستم، ولی هنوز آرایش شمارش نشده، خودش را پیروز اعلام می‌کند و می‌گوید من پیروز هستم پس بریزید توی خیابان‌ها... خب، این نفاق است دیگر، یا امضا می‌کند، پس از آن اولین کاری که می‌کند مخالفت با ولی‌فقیه است! خب، تو که این‌قدر شهامت نداشتی که بگویی من چون مخالف قانون اساسی هستم، نمی‌توانم رئیس‌جمهور بشوم، من می‌خواهم...

می‌خواهم براندازی کنم...

بگو می‌خواهم براندازی کنم. شجاع باش حداقل. این‌ها فکر کردند که جمهوری اسلامی با این حرف‌ها سقوط می‌کند. این نوعی نفاق است؛ یعنی انحراف از دین و نفاق در عمل سیاسی است.

چون بحث زن‌ها را مطرح کردید و الان هم ما در پژوهشگاه دانش‌های بنیادی هســـتیم، به عنوان آخرین سؤال یک موضوع را مطرح می‌کنم. در بعضی از همین گفت‌وگوهایی که اشاره کردم و راجع به بحث زن و مقام زن و این‌ها گفته می‌شود و ظلمی که جمهوری اسلامی به زنان کرده است، یکی از این ادعاها و بحث‌ها مثلاً برای خانم مریم میرزاخانی است. چون می‌دانید حالا آن‌هایی که بحث ۱۴۰۱ را مطرح کردند، البته من به تحلیل‌های اجتماعی و سیاسی آن کاری ندارم، ولی عمده چیزی که در صحنه؛ به ویژه مثلاً در بعضی از این کشورهای اروپایی دیده شد، همین بود که اگر اجازه بدهید که مثلاً ما برهنه بشویم، یعنی ما و عزت ما را به رسمیت شناختید. حالا این‌ها را که بعضی‌ها اصلاً رویشان نمی‌شود که به صراحت بگویند. خب واقعاً واضح هم نیست که بشود عزتمندانه و آبرومندانه آن‌ها را گفت. ولی بعضی اینطور می‌گویند که اصلاً ما آن چیزی که می‌گوییم، یا آن جنســـی که می‌گوییم که جمهوری اســـلامی به او ظلم کرده مثلاً یک کسی مثل خانم مریم میرزاخانی است که یک دانشمند و نابغه بود و در حوزه ریاضی جایزه هم برد، ولی در جمهوری اسلامی تحویل گرفته نشد و... حالا بماند که اصلاً شناختی هم از او ندارند و جایزه‌اش را هم اشتباه می‌گویند. همین اخیراً هم یکی گفت که جایزه نوبل گرفته بود، که خب اصلاً اشتباه بود و جایزه دیگری بود. خانم میرزاخانی اینجا بوده، در همین (آی‌پی‌ام) پژوهشگاه دانش‌های بنیادی بوده، شما او را می‌شناسید و اینجا هم کار کرده است. آیا واقعاً جمهوری اسلامی نسبت به امثال خانم مریم میرزاخانی بی‌تفاوت بود و حتی مثلاً ظلم هم کرد؟ فقط صرفاً به خاطر اینکه یک روسری نداشتند؟

خانم میرزاخانی از افتخارات جامعه ریاضی جهان است و البته از افتخارات ایران و ما هم افتخار می‌کنیم به دستاوردهای ریاضی‌اش. وقتی ما به علم ریاضی کسی افتخار می‌کنیم به این معنا نیست که همه جهات دیگر او را هم قبول داشته‌ایم، ولی ایشان زن بسیار محجوبی بود و اصلاً اهل برهنگی هم نبود. ممکن است روسری نداشته، ولی از این برهنگی‌های خیلی مشمئزکننده بسیار به دور بود. زمانی که دانشجو بود مدتی در همین (آی‌پی‌ام) _ این پژوهشگاه در دنیا به آی‌پی‌ام معروف است _ در همینجا با ما همکاری داشت و از جایزه‌ای که گرفت هم بسیار خوشحال شدیم و در همین پژوهشگاه برایش یک ویژه‌نامه درست کردیم، یک جلسه بزرگی گذاشتیم. همکارهای ما اهمیت کار ریاضی‌اش را توضیح دادند و در صداوســـیما هم از او صحبت شد. حالا اصلاً بحث و گیر این‌ها چیست؟

این‌ها اصلاً برای خانم میرزاخانی ارزش قائل نیســـتند. چون ببینید در جمهوری اسلامی میزان آموزش زنان یکی از ملاک‌هاست و میرزاخانی یکی از همان زن‌هاست که در جمهوری اسلامی درس خواند. حالا میزان آموزش در آموزش عالی در زنان تفاوتش با گذشته چه طوری است؟ آن‌هایی که می‌گویند زن در جمهوری اسلامی توسری خورده است، جرئت دارند رقم آن را بگویند؟! امروز تعداد دانشجویان دختری که وارد دانشگاه می‌شوند بالاتر است. آمار آن‌هایی که فارغ‌التحصیل می‌شوند هم همینجوری اســـت. یعنی میزانی که در تسهیل آموزش دختران در ایران برای زنان سرمایه‌گذاری شد، بی‌سابقه است، نه فقط در ایران، که در تمام خاورمیانه. یعنی وقتی ارقامش را سازمان‌های جهانی و یونسکو و... بررسی می‌کنند، می‌گویند که یک چیز عظیمی در ایران اتفاق افتاده و اصلاً چنین چیزی کم‌سابقه است که این همه دختر در ایران بیایند و آموزش ببینند. بله، میرزاخانی هم نمونه این سیاســـت است؛ سیاستی که جمهوری اسلامی گذاشت که زن ایرانی بتواند باسواد شود. این اصلاً ربطی به مسائل بی‌حجابی ندارد. اتفاقاً خانم میرزاخانی دختر بسیار نجیبی بود. حالا درست است که رفت خارج و با یک خارجی هم ازدواج کرد. آن بحث دیگری است، یک مسائل دیگری وجود دارد که البته ای‌کاش در ایران می‌ماند، یا می‌رفت خارج و برمی‌گشـــت. ببینید ما آرزوهایمان را باید واقع‌بینانه نگاه کنیم؛ همین قدر که یک دختر ایرانی در جمهوری اسلامی در بهترین دانشگاه‌های کشور ما تحصیل می‌کند و بعد خارج می‌رود و در آنجا هم توفیقات عظیمی پیدا می‌کند، خب این یک چیز خیلی قابل توجهی است. این را به‌جای اینکه ما از دستاوردهای نظام بدانیم، حالا هی بگوییم که چرا صبح تا غروب ایشان را در صداوسیما نشان ندادند، چون روســـری نداشته است! حالا چه کسی به روسری او گیر داده است؟ عظمت او به روسری‌اش بوده یا به ریاضی‌اش؟ اگر به ریاضی‌اش بوده که همینطور است، به بهترین وجه قدردانش بودیم و از او قدردانی شده، البته الان که به رحمت خدا رفته، ولی قدردانش هستیم. همیشه هم اسم او را با خوبی می‌بریم و ان‌شاءالله در آینده دختران و پسران دیگر ما این افق‌های عظیم را به دست می‌آورند. می‌خواهم بگویم این‌ها یک نوع کوتاه‌نگری‌های به اصطلاح قدرنشناسانه است.

جمهوری اسلامی خدمات عظیمی به خصوص به زنان کشورمان کرده است. بله، مسائل زیادی است ولی اصل مطرح کردن مسئله حجاب یعنی توهین به زن ایرانی، چون مقصود این‌ها از حجاب یعنی میزان برهنگی و این برهنگی توهین به زن ایرانی است. این خواسته زن ایرانی نیست که برهنه باشد. زن ایرانی اصلاً هیچ‌وقت برهنه نبوده اســـت. این درواقع یک تأثیر بدِ غربی است که مدرن بودن و پیشرفته بودن را در برهنگی می‌داند. حالا شـــما بروید کشورهای دیگری که برهنه شدند را ببینید که پیشرفت پیدا کرده‌اند؟ اصلاً پیشرفت چه ربطی به برهنگی دارد؟ خود ماهیت پیشرفت را فهمیدن، خیلی مسئله است. ببینید ماکس وبر که از بزرگ‌ترین متفکران غربی اســـت و آرای او در فهم مسائل سیاسی و اجتماعی مثل کتاب‌های رسائل و مکاسب علمای ماست و اگر کسی بخواهد بفهمد که مدرنیته چیست، مجبور است آرای ماکس وبر را به دقت بخواند. ماکس وبر این سؤال را مطرح کرد که چرا آلمان اینقدر پیشرفت کرد؟ چون برهنه بودند؟! ماکس تحلیل کرده و دلایل پیشرفت آلمان را این‌طور گفته که: «اولاً تفکر دینی ما در آن دست داشته؛ یعنی اخلاق پروتستانی به اضافه عمل‌محوری»؛ یعنی می‌گفت یک آلمانی شخصیتش به کارش است، اگر بد کار کند یعنی آدم بدی است. هیچ کسی آقازاده نیست چون آقازاده‌ها مادرزادی ژن خوبی دارند دیگر! اینجا ماکس وبر می‌گوید این ویژگی‌ها و چرتکه‌اندازی‌های مرتب و اینکه حساب می‌کند که اگر یک آلمانی برای یک هفته مرخصی می‌رود، وقتی برمی‌گردد، باید به اندازه مثلاً ۷ تا ۱۰۰ دلار که مثلاً درآمدش بوده، باید ۷۰۰ دلار در بقیه هفته‌ها کارش بالاتر بیاید که جبران بشود، [این‌ها باعث پیشرفت آلمان شده است.] پس ببینید فهم پیشرفت، خودش مسئله دارد، خودش مبنا دارد، خودش تئوری دارد، تحقیق می‌خواهد، فکر می‌خواهد، اینجور نیست که ما به عنوان یک توریست برویم گشتی در اروپا بزنیم و دو تا هتل ببینیم و بعد بگوییم که این‌ها لخت هستند و رقاصی می‌کنند، پس این‌ها پیشرفت کردند و ما چون لخت نیستیم، عقب افتاده هســـتیم. ببینید این‌ها آن سطحی‌نگری است که در شأن لااقل کسانی که در کشور مسئولیتی دارند و صاحب‌فکرند، نیست! تأسف می‌خورم که در مطبوعات ما این حرف‌های خیلی کم‌ارزش است؛ این حرف‌ها بسیار سطحی و سخیف است.

البته خوشبختی این است که این تفکر، تجربه و آزموده شده است. به طور مثال در دوره قاجار به ویژه در اواخرش همین تصور را داشت دیگر...

حتی در اوایلش هم، به هر صورت قاجار شـــروع شد با کشورگشایی و بلافاصله تا تحت تأثیر این جریان منفعل غربی قرار گرفت، نتیجه‌اش چه شد...

خیلی متشکرم آقای دکتر. موفق باشید.

من هم از شما ممنونم.

مدیرمسئول:
محمدامین ایمانجانی
قائم‌مقام مدیرمسئول:
مسعود فروغی
سردبیر:
محمد زعیم‌زاده
تلفن و فکس:
(۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵
کدپستی:
۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶
چاپ:
چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
نشانی:
خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری روبه‌روی ساختمان بورس
ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

ادامه از صفحه ۱۵

مجری انحصاری تبلیغات دانشگاه آزاد اسلامی
کانون تبلیغاتی سپهر جوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹

نوبت اول
شرکت ملی گاز ایران
شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی
آگهی فراخوان مناقصه عمومی دومرحله‌ای

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در نظر دارد اقلام مورد نیاز خود را با شرایط ذیل به‌صورت برگزاری مناقصه عمومی دومرحله‌ای از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) تامین نماید:	
شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران	۲۰۰۴۰۹۷۲۲۴۰۰۰۰۰۴
شماره مناقصه و تقاضا	تقاضای IZ – ۰۲۴۰۰۸۲ – R۲ مناقصه شماره R۲-۰۴/۰۰۲
موضوع مناقصه/شرح مختصر اقلام درخواستی	خرید "Level Transmitter" ENDRESS+HAUSER
مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	۸/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
نوع تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار به‌صورت یکی از تضامین قابل قبول وفق آیین‌نامه تضمین شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹ه مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیات وزیران می‌باشد.
مبلغ برآوردی مناقصه	۱۷۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی در سامانه ستاد	۱۰ روز پس از درج نوبت دوم آگهی در صفحه اعلان عمومی سامانه ستاد ایران می‌باشد.
آخرین مهلت بارگذاری و ارسال مستندات ارزیابی کیفی (رزومه) در سامانه ستاد	ظرف مدت دو هفته پس از انقضای مهلت دریافت اسناد می‌باشد.
آخرین مهلت بارگذاری پیشنهادات فنی/مالی در سامانه ستاد	پس از ارزیابی کیفی مناقصه‌گران، مستندات دریافت پیشنهاد فنی و مالی به همراه برنامه زمانی از طریق سامانه ستاد ارسال می‌گردد.
آدرس مناقصه‌گذار	استان بوشهر، عسلویه، شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی، ساختمان ستاد، مدیریت بازرگانی، اتاق ۲۴۰

بدیهی است کلیه فرایند برگزاری مناقصه الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به نشانی www.setadiran.ir انجام می‌پذیرد و به پیشنهادهای خارج از سامانه ستاد هیچ‌گونه ترتیب اثری داده نخواهد شد و مناقصه‌گران بایستی نسبت به ثبت‌نام در سامانه ستاد و دریافت گواهی امضای الکترونیکی اقدام نمایند. مناقصه‌گران می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت www.spgc.ir مراجعه و یا با شماره تلفن‌های (۳۸۹۶-۳۹۹۴-۳۸۹۴-۳۹۹۳-۳۹۹۵)۰۷۷۳۱۳۱ تماس حاصل فرمایند.
شماره شناسه ۱۹۱۷۱۵۵ روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

اطلاعیه
دادگستری کل استان خوزستان در نظر دارد تعدادی اجناس اسقاطی و مازاد بر نیاز خود از قبیل: ضایعات چوبی فله و ضایعات فلزی، پلاستیکی و... را به‌فروش برساند، لذا علاقه‌مندان می‌توانند جهت دریافت اوراق و مشاهده شرایط مزایده از روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۰۶ به آدرس الکترونیکی www.SETADIRAN.IR مراجعه نمایند.
شناسه آگهی: ۱۹۱۸۴۹۱
معاون مالی پشتیبانی و عمرانی دادگستری کل استان خوزستان

پیرو آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ســـاختمان‌های فاقد سند رســـمی و به استناد تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون اخیرالذکر تحدید حدود املاک مشروحه ذیل در ساعت و تاریخ‌های مقرر در محل وقوع ملک به شرح ذیل به عمل خواهد آمد.
املاک متقاضی